

موضعگیری اتحادیه اروپا در قبال سازمان مجاهدین محکوم است!

صفحه ۲

برگزاری دومین نشست وسیع شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب

صفحه ۲

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-795-051-7465
Fax: 0044-870-135-1338
markazi@ukonline.co.uk

رادیو انترناسیونال

۳۱ متر - ۹۹۴۰ کیلو هرتز

۹ تا ۹:۴۵ شب بوقت تهران

به دیگران اطلاع بدهید

radio7520@yahoo.com

تلفن 0044 7714611099

اطلاعات و پیامگیر رادیو:
0044 208 962 2707

شکست طرح تبانی دولت سویس، صلیب سرخ و جمهوری اسلامی

صلیب سرخ با جمهوری اسلامی برای بازگرداندن مهاجرین افغانستان تحت حاکمیت طالبان اشاره کرد و اعلام کرد که ما اجازه نخواهیم داد این سیاست غیرانسانی و ارتجاعی تکرار شود. نماینده صلیب سرخ که انتظار چنین اعتراض وسیع و سازمان یافته ای را نداشت، ضمن معذرت خواهی تقاضا کرد که کنفرانس پایان داده شود. او گفت که "آنها به هیچ عنوان

صفحه ۲

نماینده صلیب رسما و چندین بار معذرتخواهی کرد و اعلام کرد که صلیب سرخ خود را از این موضوع کنار میکشد.

کنفرانس با اعتراض حاضرین شروع شد و از همان ابتدا تریبون به دست مخالفین جمهوری اسلامی افتاد. مهنروش موسوی نماینده حزب کمونیست کارگری و فدراسیون در سخنان خود ضمن افشاکاری از جمهوری اسلامی و سیاستهای راست و ارتجاعی دول غرب، سیاستهای صلیب سرخ را مورد حمله قرار داد، به سابقه همکاری

جهانی اعلام شده بود که برای برگرداندن پناهجویان به آنها مبلغ دوهزار فرانک داده خواهد شد. در این نامه به طور غیر رسمی ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی امن معرفی شده بود. اگر این طرح به سرانجام میرسید، زمینه ای میشد که در سایر کشورهای اروپائی نیز به اجرا درآید، اما اعتراض سازمان یافته و وسیع و دخالت حزب کمونیست کارگری کنفرانس را به صحنه اعتراض وسیع علیه دولت سویس و صلیب سرخ و کیفرخواست علیه جمهوری اسلامی تبدیل کرد،

روز دوشنبه ۶ مه کنفرانس مشترکی که توسط اداره مهاجرت، مقامات قضائی سویس و صلیب سرخ در تبانی با جمهوری اسلامی تدارک دیده شده بود، با دخالت کادرها و فعالین حزب کمونیست کارگری ایران، فدراسیون سراسری پناهندگان، پناهجویان معترض و مخالفین جمهوری اسلامی، به شکست کشانده شد. قبل از آن طی نامه ای رسمی از سوی مقامات قضائی و اداره مهاجرت سویس و با وساطت صلیب سرخ

در اول ماه مه جهان چهره دیگری داشت! علی جوادی



طلب کردند. از همبستگی و هم سرنوشتی کارگران مستقل از ملیت و نژاد و جنسیت و مذهب یاد کردند.

اما آنچه اول ماه مه ۲۰۰۲ را از سالهای پیشین متمایز میکرد، فقط گستردگی ابعاد و جهانی بودن آن نبود. هر چند که فقط در

صفحه ۳

شهرهای ایران، سیدنی، ملبورن، نیویورک، کلکته، سانفرانسیسکو، جاکارتا و ... جملگی شاهد اعتراض، تظاهرات، راهپیمایی و میتینگهای کوچک و بزرگ کارگران و مردم ناراضی بود. صفوفشان متشکل از زن و مرد و پیر و جوان بود. پرچمهای سرخ برافراشته بود. شعار دادند و مطالباتشان را مطرح کردند، سهمشان را از زندگی

جهان در اول ماه ۲۰۰۲ چهره دیگری داشت. شهرها و کشورها در چهارگوشه جهان: پاریس، کلاسکو، فیلیپین، بمبئی، لندن، بنگلادش، بوستون، کلمبیا، فرانکفورت، بلگراد، بوئنوس آیرس، سنگاپور، برزیل، لس آنجلس، ستول، هامبورگ، کویا، هلند، ایتالیا، استانبول، ونکوور، آرژانتین، ونزوئلا، زوریخ،

کشف آشفتگی

مصطفی صابر

را فیلم کنید؛ در حالیکه رئیس قوه قضاییه از ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار زندانی موقت در سال خبر میداد؛ در حالیکه دانشجویان چندین دانشگاه به واسطه پیدا کردن سوسک و سرنگ در ظرف غذا و یا جدا کردن دختران و پسران در محیط دانشگاه در اعتصاب بودند؛ در حالیکه کارگران چندین کارخانه به عدم دریافت همان دستمزدهای فوق زیر خط فقر اعتراض داشتند؛ و

صفحه ۳

در حالیکه روزنامه ها با افتخار و آب و تاب از کوبیدن پرچم سه رنگ جمهوری اسلامی ایران و "راهنمای تعیین جهت قبله" در قطب شمال خبر دادند؛ در حالیکه در تهران دختران معصوم و قایقران فلک زده بخاطر فقدان کمترین امکانات ایمنی حین قایق سواری در حوض پارکشهر در مرکز تهران جان خویش را از دست دادند؛ در حالیکه یک باز دیده کننده غرغه یکی از روزنامه های دوم خرداد در دفتر مربوطه نوشت اصلاح طلبان عزیز تا کی میخواهید ما



رسوائی،

عاقبت کمک

به رژیم اسلامی

صفحه ۴



فاشیسم در پاریس

فاشیسم در تهران

صفحه ۴

از سایت روزنه دیدن کنید!
www.rowzane.com

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

برگزاری دومین نشست وسیع شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب

اسماعیل ویسی ۲۴- ایرج فرجاد ۲۵- سارا محمد ۲۶- داریوش نیکنام (علی کرمانشاه) ۲۷- حیدر گویلی ۲۸- پرشنگ بهرامی ۲۹- یدی کریمی ۳۰- خالد علی پناه ۳۱- غفار غلام ویسی ۳۲- حامد خاکی ۳۳- گلایز قادرزاد ۳۴- پروین کابلی ۳۵- عبدالله شریفی ۳۶- عمر کریمی ۳۷- عبدالله صید مرادی ۳۸- سیوان رضایی دومین نشست وسیع شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب کمیونست کارگری ایران ضمن ابراز تاسف از عدم حضور رفیق و رهبر عزیزمان منصور حکمت در این نشست به دلیل بیماری از هیئت اجرایی کمیته کردستان خواست از جانب نشست دوم شورای کادرها پیامی به منصور حکمت ارسال کند. سپس نشست دوم شورای کادرهای تشکیلات کردستان با سخن پایانی رحمان حسین زاده و در میان شور و شوق شرکت کنندگان پایان یافت.

به دنبال این نشست، کمیته کردستان تازه انتخاب شده بلافاصله جلسه کوتاهی برگزار کرد و رحمان حسین زاده به عنوان دبیر کمیته کردستان و اسد نودینیان به عنوان خزانه دار کمیته و هیئت اجرایی ۱۲ نفره متشکل از ۱- عبدالله دارابی ۲- حسین مرادیبگی ۳- فاتح شیخ ۴- ایرج فرزاد ۵- هلاله طاهری ۶- خالد حاج محمدی ۷- مجید حسینی ۸- محمد فتاحی ۹- صالح سرداری ۱۰- مظفر محمدی ۱۱- محمد آسنگران ۱۲- رحمان حسین زاده ۱۳- اسد نودینیان انتخاب شدند.

کمیته کردستان

حزب کمیونست کارگری ایران

نوزدهم اردیبهشت ۱۳۸۱
(۹ مه ۲۰۰۲)

کومله "سازمان زحمتکشان" مصوب هیئت دائم دفتر سیاسی حزب کمیونست کارگری" معرفی و مورد بحث قرار گرفت.

حاضرین در نشست دوم با طرح نظرات خود در مباحثات بالا فعلاانه شرکت کردند. نشست دوم شورای کادرها در فضایی فعال و زنده به موضوعات سیاسی در دستور پرداخت. محور اصلی کلیه مباحث و سخنرانیها به این موضوع اشاره داشت که در بطن فضای متحول سیاسی ایران، جنب و جوش گسترده اعتراضی همه شهرهای کردستان را در بر گرفته و چشم انداز ادامه این فضای اعتراضی و گسترش جنبش اجتماعی رادیکال و چپ و تاثیر گذاری وسیع کمیونست کارگری مشهود است. نشست شورای کادرها تاکید داشت که تشکیلات کردستان حزب با افاق و سیاست روشن و آمادگی بسیار بالا لازمست به استقبال این وضعیت برود و جوابگوی وظایف سیاسی و عملی خود در این دوران حساس و در قبال نقطه عطفهای آن باشد.

در بخش پایانی، نشست دوم شورای کادرها ۳۸ نفر را برای عضویت در کمیته کردستان انتخاب نمود که عبارتند از:

- ۱- اسد نودینیان ۲- اسد گلچینی
- ۳- فاتح شیخ الاسلامی ۴- رحمان حسین زاده ۵- هلاله طاهری ۶- خالد حاج محمدی ۷- محمد فتاحی
- ۸- حسین مرادیبگی (حمه سور)
- ۹- عبدالله دارابی ۱۰- نسیرین رضاعلی ۱۱- ایرج فرزاد ۱۲- صالح سرداری ۱۳- محمد آسنگران
- ۱۴- مجید حسینی ۱۵- محمد فضلی ۱۶- جلال برخوردار (جلال کاکلی) ۱۷- مظفر محمدی ۱۸- نسان نودینیان ۱۹- طه حسینی
- ۲۰- محمد راستی ۲۱- صلاح ایراندوست ۲۲- همایون گانزگر ۲۳-

در روزهای شنبه و یکشنبه (چهاردهم و پانزدهم اردیبهشت ۱۳۸۱) دومین نشست سالانه شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب کمیونست کارگری ایران با حضور ۱۳۰ نفر از اعضای شورا و ناظرین و مهمانان برگزار شد. نشست با سرود انترناسیونال و یکدقیقه سکوت به یاد جانباختگان راه آزادی و کمیونسم رسمیت یافت. سپس هیئت رئیسه و آییننامه برگزاری نشست تعیین و تصویب شد. نشست دوم شورای کادرها با گفتار افتتاحیه رحمان حسین زاده دبیر کمیته کردستان حزب مباحثات خود را شروع نمود. در میبحث دیگری کورش مدرسی رئیس دفتر سیاسی حزب به نقش و جایگاه تشکیلات کردستان و مصافهایی که پیشارو دارد، اشاره کرد.

"موقعیت ما و چشم‌انداز آتی کار" مبحث بعدی نشست بود که از جانب رحمان حسین زاده ارائه شد. موقعیت جریان کمیونستی در دو دهه تحولات جامعه کردستان و مسیر سیاسی که طی نموده و موقعیت کنونی کمیونسم کارگری به عنوانی جنبشی قوی و اجتماعی و استراتژی که در دستور دارد، در این مبحث مورد بررسی قرار گرفت و بر پراتیک سیاسی و اجتماعی و پر کردن کمبودهایی تاکید شد، که ضامن تبدیل کمیونسم به نیروی اول معادلات سیاسی در تحولات آتی جامعه کردستان باشد.

دستور جلسه بعدی بررسی "موقعیت جنبش ملی کرد در منطقه" بود. فاتح شیخ در این مبحث تاریخچه جنبش ملی کرد، موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی این جنبش، ناکامیهای سیاسی آن و ضدیت افق و سیاست جنبش ملی با خواست و آرزوهای آزادیخواهان مردم کردستان را بررسی کرد و ناتوانی مزمزم این جریان از ارائه راه‌حل رفع ستم ملی و حل مسئله کرد، را بیان کرد، و بر لزوم آلترناتیو و راه حل کمیونستها برای رفع تبعیض ملی و حل مسئله کرد اشاره داشت.

در موضوع "تحریکهای اجتماعی در شهرها" مظفرمحمدی تحریک اعتراضی در شهرها و مطالبات و شیوه‌های مبارزاتی جنبش اعتراضی و عرصه‌های اجتماعی اصلی این مبارزات را بررسی کرد. تامین رهبری کمیونستی در این مبارزات، ایجاد تشکلهای توده‌ای و به میدان کشیدن پتانسیل قوی این مبارزات از نکات اصلی این مبحث بود.

در بخش پایانی مباحث سیاسی، قطعه‌نامه در مورد باند انشعابی از

موضعگیری اتحادیه اروپا در قبال سازمان مجاهدین محکوم است!

حزب کمیونست کارگری اتحادیه اروپا را قویا محکوم میکند و از کلیه سازمانهای اپوزیسیون جمهوری اسلامی می‌خواهد که صرفنظر از درجه نزدیکی یا دوری سیاست شان با سازمان مجاهدین خلق، اتحادیه اروپا را بخاطر مداخله آشکار به نفع جمهوری اسلامی و ضدیت با اپوزیسیون محکوم کنند.

حزب کمیونست کارگری ایران

۷ مه ۲۰۰۲

از صفحه ۱

شکست طرح تبانی دولت سویس ...

غیرانسانی صلیب سرخ و دولت سویس تبدیل شد. کنفرانس در میان خوشحالی و فریادهای مرگ بر جمهوری اسلامی ۲۵۰ نفر پناهندگان و مخالفین حاضر در سالن پایان یافت. مهنوش موسوی شکست آنرا به حاضرین تبریک گفت و پناهجویان او و فرشاد حسینی را در آغوش گرفتند. صدها نسخه از اعلامیه‌ها و نشریات حزب در میان حاضرین توزیع شد و تعداد زیادی از آنها خواستار همکاری و پیوستن به حزب و فدراسیون پناهندگان شدند. خبر شکست این کنفرانس بلافاصله در رسانه‌های سویس منعکس شد، چندین رادیو و مرکز خبری سویس با فرشاد حسینی مصاحبه کردند و مصاحبه آژانس خبری سراسری سویس با فرشاد حسینی در روزنامه‌های این کشور درج شد. رادیو دیگری در شهر زوریخ نیز با مهنوش موسوی در زمینه این کنفرانس و علت شکست آن مصاحبه کرد.

حزب کمیونست کارگری بار دیگر اعلام میکند که قاطعانه در برابر تلاشهای دولتهای غربی برای آبروخردن برای جمهوری اسلامی و نقض حقوق انسانی فراریان از جهنم اسلامی ایستادگی کرده و آنها را افشا خواهد کرد. ■

۱۵ کشور عضو اتحادیه اروپا پس از نشستی در بروکسل نام "سازمان مجاهدین خلق ایران" را در زمره گروههای تروریستی در سطح جهان اعلام کردند. این اقدام یک بده و بستان سیاسی دولت‌های اروپائی با جمهوری اسلامی، دفاع آشکار از آن و دشمنی با اپوزیسیون جمهوری اسلامی است.

قصد نداشتند خشم و انزجار ما را برانگیزند و به هیچ عنوان هدف این نبوده است که برای جمهوری اسلامی آبرو بخرند. مهنوش موسوی و فرشاد حسینی نمایندگان حزب کمیونست کارگری و فدراسیون سراسری پناهندگان ضمن توضیح حقیقت و بیحقوقی حاکم بر ایران و موقعیت زن در حکومت اسلامی، مطالبه نا امن اعلام کردن ایران، باز کردن مجدد کلیه پرونده‌ها و اعطای حق پناهندگی به کلیه زنان فراری از جوامع اسلامی را مطرح کردند. این امکانی شد برای پناهندگان که به ابراز نظر پرداخته و به مشکلات زندگی خویش و دلایل فرارشان از ایران بپردازند. نماینده صلیب سرخ که توطئه مشترکش با دولت سویس شکست خورده بود، به درخواست نمایندگان حزب و فدراسیون لیستی تهیه کرد تا به مقامات اداره مهاجرت سویس به منظور رسیدگی تحویل دهد.

بدین ترتیب کنفرانسی که قرار بود تصویری انسانی از جمهوری اسلامی بدهد و تدارک اخراج وسیع پناهجویان ایرانی به جهنم جمهوری اسلامی را بدهد، به صحنه افشاکگری از رژیم اسلامی و سیاسیهای

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

حمید تقوانی دبیر کمیته مرکزی 001 647 885 2485

کورش مدرسی رئیس دفتر سیاسی 0044 774 863 0833

اصغر کریمی 0044-771 4097928

آذر مدرسی دبیر تشکیلات خارج 00447815902237

رحمان حسین زاده-دبیر کمیته کردستان حزب:

0046-739 855 837

اسد گلچینی - دبیر تشکیلات کل کشور

0044 7940 416 768

شهلا دانشفر: دفتر مرکزی حزب 00447950517465

بهرام مدرسی - دبیر کمیته مرکزی سازمان جوانان کمیونست:

0049174 944 0201

از صفحه ۱

در اول ماه مه جهان چهره دیگری داشت!

فرانسه یک میلیون و نیم نفر به خیابانها آمدند. این نبود که در شهرهای متفاوت آمریکا جنبش اول ماه مه حضور چشمگیرتری داشت. آنچه اسمال برجسته بود حضور گستردهتر مردم معترضی بود که دوشادوش کارگران در روز جهانی کارگر، در روز همبستگی بین المللی کارگر، به خیابانها آمدند. اینکه این مردم معترض برای بیان اعتراضات خود روز اول ماه مه را برگزیدند، نشانده جایگاه تاریخی این روز در اذهان عمومی جامعه فاشیسم و نژادپرستی اعتراض کردند. در کنار کارگر به نابرابری زن و مرد و تبعیض جنسی در جامعه اعتراض کردند. به نامنی اقتصادی و عدم تامین اجتماعی اعتراض کردند. در گوشه و کنار صحبت از آزادی و برابری و همبستگی بود.

اول ماه مه ۲۰۰۲ از دقایق دورانی است که اکنون در آن بسر میبریم. به مختصات این دوره باید پرداخت. در دورانی که گذشت ما شاهد برخی از مهمترین تحولاتی بودیم که در دهه آخر قرن بیستم بوقوع پیوست. این دوران در زندگی بشر چه از لحاظ سیمای سیاسی جهان، چه از لحاظ تصور انسان از زندگی، و چه از لحاظ تلقیات فرهنگی و اجتماعی دوران خطیر و تعیین کنندهای بود. تغییراتی که تاثیرات عمیقی بر زیست و مبارزه کارگر و شرایط مبارزه‌اش بر جای گذاشت. دورانی که مبلغین بورژوازی آن را پایان کمونیسم، پیروزی نهایی سرمایه‌داری، و تسلیم بشریت به نظام کاپیتالیستی موجود نام نهادند. بلوک شرق، کمونیسم کاذب بورژوازی شکست خورده بود. اما سقوط بلوک شرق در پایان کمونیسم قلمداد کردند و تهاجم همه جانی‌ای را بر علیه هر آنچه انسانی و آزادیخواهانه بود، سازمان دادند. در بوق و کرنا کردند که مبارزه طبقاتی به پایان رسیده است. به مردم گفتند از تامین اجتماعی، بیمه بیکاری، بیمه درمانی، مسئولیت دولت در قبال رفاه و زندگی انسانها خبری نیست. شادی، سلامتی، عشق، حرمت، دانش و شان انسان به حجم کیف پولشان گره خورده است. به ما گفتند که از این پس تاریخ کلیه جوامع تاریخ کردن نهادن و کرش اکثریت عظیم شهروندان جامعه به اقلیتی، به نظام سرمایه داری، و بورژوازی حاکم است. عریده کشان گفتند که تلاش انسانها برای برقراری

نظامی انسانی که نه سود بلکه رفاه انسانها مبنای اقتصادی کارکردش باشد، تماما شکست خورده است. به ما گفتند که سهم بشر از زندگی همین است که هست. پای این قرار داد اجتماعی را امضاء کنید! تسلیم شوید و بسازید!

این دوران البته قربانیان و تلفات زیادی داشت. جنبشهایی که افق خود را از دست دادند و به صف مبلغین نظام حاکم پیوستند. ایده‌آل‌های انسانی‌ای که کنار گذاشته شدند. مبارزاتی که شکست را پذیرفتند. در اهداف خود تجدید نظر کردند. اما آنچه که شکست خورده بود ربطی به سوسیالیسم کارگری و کمونیسم مارکسی نداشت. جنبشهای غیر کارگری- غیر سوسیالیستی‌ای بودند که بخاطر مقبولیت جهانی مارکسیسم خود را در پرچم سوسیالیسم پیچیده بودند. در این دوران جنبشهای بسیاری در اقصی نقاط جهان پرچم خود را زمین گذاشتند. اما جنبش ما جزء شکست خوردگان نبود. ایستادیم. فشار زیادی را تحمل کردیم. متشکل شدیم. بخشی از جنبشی بودیم که ایده‌آل‌های بشری را در مقابل چشمان جامعه بشری گرفت. حلقهای بودیم که تاریخ آزادیخواهی گذشته را به آینده متصل میکرد. ما گفتیم که بر خلاف تبلیغات کر کننده بورژوازی، این دوران به پایان خواهد رسید. چنین نیز شد. دورانی که بورژوازی آن را دوران "قطعیت" و "صلح و آرامش" نامیده بود، در حقیقت دوران عروج انواع جنبشهای ارتجاعی و خانمانسوز و ایده‌های عقب مانده و جنگ و پاکسازیهایی قومی بود. فاشیسم، اسلام سیاسی، راسیسم، قوم پرستی و ناسیونالیسم بر متن تهاجمات بورژوازی به ایده‌های آزادیخواهی، زندگی مردم را تحت الشعاع تحركات ارتجاعی خود قرار دادند. ما گفتیم که این دوره، دوره قطعیت سلطه و روشنی بورژوازی نیست. برعکس دوران اغتشاش و سردرگمی است. ما گفتیم که با شکست بلوک شرق بلوک غرب نیز دستخوش تغییر و تحولات تعیین کنندهای خواهد شد. تعادل خود را از دست خواهد داد. این چنین نیز بود. در این دوران تلاشهای بسیاری برای شکل دادن دوران پس از جنگ سرد توسط بورژوازی سازمان داده شد. نظم نوین جهانی یکی از تلاشهایی بود که برای استقرارش جنگ خونین خلیج را برپا کردند. اما علیرغم کشتار هزاران هزار انسان بیگناه موفق نشدند به چهارچوب و قالب حاکم بر مناسبات جهانی تبدیلی کنند. مردم پذیرفتند. این دوران به پایان رسید. روشن

شد افقی که بورژوازی و جنبشهای بورژوازی در جلوی جامعه بشری گرفته است، خریدار چندانی ندارد. آن گرد و خاک اولیه، آن تبلیغات کر کننده، اکنون کمرنگ شده است. رجز خوانیهای بورژوازی بی اعتبار شده است. و ما شاهد یک موج برگشت هستیم. گوشها در ابعاد میلیونی آماده شنیدن حرفهای پایهای و عمیق است. مردم نیز برای تغییر سرنوشتشان تکنهای جدیدی خورده‌اند. در ابعاد میلیونی پا به میدان مبارزه برای تغییر شرایط زندگی و زیست خود گذاشته‌اند. اعتصاب ۱۳ میلیونی کارگران ایتالیا و اعتصاب صد هزار نفری کارگران متال آلمان یک نمونه از تحركات این دوره است. اعتراضات اول ماه مه در اقصی نقاط جهان گوشه دیگری از دقایق این دوران است. جامعه بار دیگر بدنبال پاسخی روشن برای معضلات اجتماعی و یک زندگی و دنیای بهتر است. بی جهت نبود که مارکس و نه ریگان، نه تاجر، نه یلتسین، نه بوش، چهره هزاره سوم شد.

اما ما تازه در آغاز راه قرار داریم. کارهای بسیاری باید کرد. کارهای بسیاری میتوان کرد. این جهان وارونه را باید از قاعده‌اش بر زمین گذاشت. باید تمامی جنبشهای ارتجاعی، از ناسیونالیسم و راسیسم و مالتی کالچرالیسم گرفته تا اسلام سیاسی و انواع گرایشات رنگارنگ بورژوازی را، که بر متن شرایط موجود تحرك جدیدی پیدا کرده‌اند، از میدان بدر کرد. باید پرچم آزادیخواهی و رهایی بخش کمونیسم کارگری را در راس اعتراضات کارگر و مردم معترض به اهتزاز در آورد. زمان، زمان پیشروی کمونیسم کارگری است. زمان تعرض آلترناتیو کارگری است. دوران حاضر دوران کمونیسم کارگری و نقد سیستم کار مزدی و نظام سیاسی حافظ این سیستم ضد انسانی است. در هیچ زمانی چون امروز جامعه بشری نیازمند چنین تحول کمونیستی و بنیادینی نبوده است. جامعه‌ای مبتنی بر مالکیت اشتراکی. جامعه‌ای مبتنی بر لغو کار مزدی. جامعه‌ای سوسیالیستی. جامعه‌ای برابر و انسانی بیش از هر زمانی ممکن و ضروری است. امروز دورانی است که بیش از هر زمان حرمت انسان، رفاه انسان، حقوق جهانشمول انسان، شادی انسان، سعادت انسان به پیشروی این جنبش گره خورده است.

اگر دنیا در دست ما باشد. انسان اسیر کار مزدی و بازار و رقابت نخواهد بود. بی حقوق و غرق در خرافات و نابرابری و فقر و فلاکت نخواهد بود. سعادت و رفاه مفاهیمی پوچ و تو خالی نخواهند بود. آرزوهای دیرینه بشر دیگر آرزو و رویا نخواهند بود. و این تنها کار جنبش ما، کار جنبش کمونیسم کارگری است! ■

از صفحه ۱

کشف آشفتگی

در حالیکه خاتمی در جلسه با "معلمان نمونه" گفت که در پاسخ به خواسته‌های معلمان دولت کاری نخواهد کرد؛ یکبار، در همان جلسه، رئیس جمهور با جسارت بی مانند اعلام کرد که وضع "آشفته" است و به "گله و شکایت" از "جفاکاران" پرداخت که "پشت پرده یک چیز دیگر میگویند." آقای خاتمی برای اینکه ایجاد "آشفته‌گی" بیشتر نکند، بقیه حرفهایش را البته فرو داد تا در فرصت مناسب بعدی جهت اطلاع ملت قهرمان ایران به روی اکران بیاورد. فقط ضمن تاکید بر اینکه دولتش در خط اصلاحات پیش رفته، به این بسنده کرد که اگر نگذارند به راهش ادامه دهد، کنار می‌رود.

"آشفته‌گی"، "استعفا"، "فریاد"، "فریاد های بیصدا"، "رازهای مگویی خاتمی" و نظیر اینها، کلمات بزرگ روزنامه های رژیم در روز بعد شد. برخی گفتند شوخی میکند. برخی جواب دادند خیر، خیلی جدی است. برخی گفتند فریاد در گوش های ناشنوا چرا. کیهان نوشت "آن مسئول بلند پایه" که تهدید به استعفا میکند را زودتر کنار بگذارید. رسالت نوشت باید خاتمی را از رادیکالها جدا کرد. بهرحال، انگار نه انگار که یکهفته قبل، همین روزنامه ها و رسانه ها را سراسر "وفاق ملی" فرا گرفته بود.

"وفاق ملی" به نظر میرسید از سوی محافل "معتدل" جناح راست و با همکاری "قدرت پرستان" جناح رقیب هدایت میشد. مذاکره با آمریکا که در محور "وفاق ملی" قرار داشت، بنا به شواهد گوناگون زیر نظر رفسنجانی و بقول "آکونومیست" با شرکت پسرش، و بهر حال از بالای سر وزارت خارجه پیش برده میشد. برخی ها (از جمله یزدی) به "آتش بس" و "پایان جنگ سرد" جناح ها، که ظاهرا از برکات مسلم "وفاق ملی" بود، بسی دلخوش کرده بودند. اما سخنان خامنه ای در هفته گذشته علیه مذاکره با آمریکا، صحنه را یکبار عوض کرد. این سخنان میتواند نشانه ای از "آشفته‌گی" جدی در بالاترین سطوح جناح راست باشد.

اما هرچه بود، زیر پای "وفاق ملی" را خالی کرد و به افراطیون جناح راست پروبال داد. از سوی دیگر در همین هفته، دعوی درونی فراسیون جناح موسوم به دوم خرداد در مجلس، که تا یکقدمی انشعاب رفت، شاهدهی بود بر آنکه "آشفته‌گی" در بین جناح دولتی که قبلا "جنبش دانشجویی و تحکیم وحدتشان را درنوردیده بود، حالا به قلب "جبهه دوم خرداد" رسیده است. در میان دوم خردادی های خارج از حکومت نیز وضع بهتر نبود. برای مثال کنگره اکثریتی ها در دو هفته قبل تر، که از زور تمرین دموکراسی هیچ تصمیمی نتوانسته بود بگیرد، نشان داده بود که در بین حامیان خاتمی در اپوزیسیون نیز جز "آشفته‌گی" حاکم نیست. پس آقای خاتمی مبتکر "گفتگوی تمدنها" در سخنرانی فوق الذکر یکبار دیگر، اگر چه با حب و حیای معمول خویش، از واقعیت عظیمی خبر داده بود: آشفته‌گی.

ولی خاتمی که میداند کی لبخند تحویل دهد، بموقع گریه کند، جای خودش فریاد بیصدا سر دهد، جای جایش باتوم بکشد، کی چنان چاپلوسی کند، کجا سکوت کند و وقت مناسب نعره بزند، مقصود مشخصی از اعلام دیر هنگام کشف مذکور دنبال میکرد. او هم مثل همه آنها دیگر خوب میداند که رژیم اسلامی در یک بن بست و فلج کامل اقتصادی است. از لحاظ سیاست خارجی از همه سو محاصره شده است، و مهمتر از همه مردم در حال انفجارند. او دارد میکوشد با کمی صدایش را بلند کردن و تهدید استعفا کردن مگر فضا و جو ملتبهت جامعه را متوجه خود کند و از اینطریق آنرا کمی آرام نماید. در عین حال او میکوشد بهمین واسطه از جناح رقیب خرده امتیازی بگیرد. "وفاق ملی" که نشانگر سطح معینی در تعادل قوا و یا جنگ و دعوی جناح ها بود پایان یافته است. بر متن وخامت وضع داخلی و خارجی جمهوری اسلامی دوره ای قدری متفاوت در دعوی جناح ها شروع شده است. البته قرار نیست تغییرات جدی صورت پذیرد. بلکه مسابقه اساسا بر سر خریدن وقت است. "وفاق ملی" بیش از یکی دو ماه طول نکشد. به نظر نمیرسد این یکی طولانی تر باشد. ■

به حزب کمونیست کارگری کمک مالی کنید!

رادیو انترناسیونال را روی اینترنت بشنوید
www.radio-international.org

فاشیسم در پاریس، فاشیسم در تهران

کاظم نیکخواه

دو هفته پیش دنیا با راه یافتن ژان ماری لوین رهبر "جبهه ملی" فرانسه به دور دوم انتخابات ریاست جمهوری شوکه شد. مردم به خیابانها ریختند، تظاهرات کردند، و در حمایت از انسانیت و حقوق انسانی پناهندگان و مهاجرین تلاش کردند وجدان همگان را نسبت به رویدادی که یاد آور کابوس دهشتناک جنگ دوم جهانی بود بیدار کنند. در فرانسه دو هفته تمام هرروز خیابانها پر بود از مخالفین لوین و حزب او. در روز اول ماه مه در پاریس بیش از نیم میلیون نفر و در کل فرانسه قریب دو میلیون نفر به خیابانها آمدند و علیه نژادپرستی و در حمایت از پناهندگان شعار دادند. و این منحصر به فرانسه نبود. اروپا در روز اول مه علیه نژادپرستی به حرکت درآمد. و بالاخره در یکشنبه پیش مردم با تحمیل شکستی سخت در انتخابات این موجود ضد بشر را به خانه فرستادند. این واکنش عمومی بخاطر چه بود؟ لوین از نظر همه انسانهای متمن بعنوان نماینده جریان نژادپرست و فاشیست و ضد انسانی شناخته میشود. برخی شعارهای او عبارتند از: "فرانسه برای فرانسویان"، "توقف ورود پناهندگان به فرانسه"، "اخراج پناهندگانی که اقامت قانونی ندارند" و اعمال بعضی محدودیت ها بر خارجیان و نظایر اینها. هرکس این شعار ها را در اروپا میشنود بلافاصله میفهمد که با جریانی شبیه نازیسم هیتلری روبروست.

در همین روز اول مه روزی که بعنوان روز همبستگی بین المللی کارگران شناخته میشود، در تهران نیز تجمعاتی برپا شد. در یکی از این تجمعات که خانه کارگر رژیم آنرا سازمان داده بود، ایادی خانه کارگر و مسئولین تظاهرات بر شعار "کارگر خارجی اخراج باید گردد" کوییدند. حتی لوین و سایر رهبران فاشیست دنیا بسادگی اینچنین از اخراج پناهندگان و خارجیان به صراحت سخن نمیگویند، چه رسد به اخراج کارگران خارجی آهم در روزی که قرار است همبستگی بین المللی کارگران به نمایش در آید. اما خانه کارگرها با وجود خصومت ورزی هیستریک چندین

ساله علیه کارگران خارجی و بویژه افغانستانی ظاهرا جزو فاشیستهای ایران بحساب نمی آید. طنز مسئله همینجاست که در پاریس و اروپا به جانورانی از این دست میگویند نژاد پرست و فاشیست و ضد بشر و ضد آزادی، اما در تهران و در فرهنگ اپوزیسیون ملی گرا و منحط ایرانی اینها را اصلاح طلب و مدافع جامعه مدنی میخوانند! همین ها که سالهاست با جدیت برای اخراج و بیحقوقی کارگر افغانستانی و عراقی و "غیر ایرانی" تلاش کرده اند، بهرهمه خیل دیگری از جریانات دولتی و غیر دولتی از همین قماش به زعم خودشان قرار بود و گویا هنوز هم قرار است آزادی و جامعه مدنی را به صحنه ایران باز گردانند! خانه کارگر بهرهمه کل حکومت

توحش اسلامی سرمایه داران جریانی آبرویخته و رسواست. جنب و جوش اینها اهمیت ویژه ای در صحنه سیاسی ایران ندارد. اما این آبرویختگی هنوز آنطور که سزاوار است شامل جریان و تفکر ملی گرایی نمیشود. واقعیت اینست که ملی گرایی و ناسیونالیسم تنها یک گام تا فاشیسم فاصله دارد. در پس ستایش مام وطن و سرزمین پدری و زادگاه مادری که اینچنین هم در ادبیات مجاز و رسمی و هم نشریات و تبلیغات اپوزیسیون ملیگرایی ایرانی موج میزند، خصومت و تحقیری آشکار نسبت به پناهندگان و هرکه زادگاهش ایران نیست جا گرفته است. ناسیونالیسم به بن بست رسیده همه جا در قامت فاشیسم تمام عیار متولد میشود و آماده است تا انسانها را بخاطر رنگ پوست و زادگاه و زبان و فرهنگشان به بدترین نحوی مجازات کند. این گرایش و جریانی است که با حاکمیت طبقه سرمایه دار زاده شده است و بهرهمه بحرانهای سرمایه داری در اشکال و نامهای گوناگون اما به یک میزان وحشی و جنایتکار و ضد انسانی ظاهر می شود. شعارهای "ایران برای ایرانیان" و "ای ایران ای مرز پرگهر" و امثال اینها وجه مشترک یک طیف رنگارنگ سیاسی است که از مدافعیین نظام سلطنتی تا چپهای مدافع سوسیالیسم نوع روسی و احزاب رسمی و غیر رسمی اسلامی را در برمیگیرد. اینها نشان داده اند که اگر نه بیشتر حد اقل بهمان

رسوائی، عاقبت کمک به رژیم اسلامی

مهرنوش موسوی

نمیدهند، با کادرها و فعالین حزب کمونیست کارگری ایران که در خارج کشور اجازه ابراز وجود سیاسی در هر شکل و لباسی به این جانبان نمیدهند، روبرو شده، و شکست مفتضحانه شان را روی دوش این جریان حمل کنند. خودشان میدانستند و آقای کنراد نماینده صلیب سرخ هم اعلام کرد که میدانستیم که در این کنفرانس اعتراض تحویل خواهیم گرفت. پنهان شدن پشت صلیب سرخ، حقوق بشر و نهادهای فرهنگی از هر دو سوی این معامله، گواه موقعیت سیاسی این پروژه ایی است که عاقبتش جز رسوائی و شکست نیست.

تلاشهای اخیر مقامات حکومت اسلامی در آخرین نشست کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، کنفرانس تبتانی دولت سویس و مقامات این دولت با وساطت صلیب سرخ، و راه انداختن نمایشات فرهنگی و هنری در سوئد در حالی صورت میگردد که میدانند حضور رژیم اسلامی و هر گونه تلاشی برای آبروخردن برای آن با موجی از نفرت، خشم و اعتراض مواجه خواهد شد. علیرغم این واقعیت، قرار بود که با برگزاری این کنفرانس و در اطلاعیه رسمی مقامات پارلمان پلیس و قضایی دولت سویس عملاً بر حکم اخیر کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل تأکید گذاشته شود. و اینکه ایران امن است، اینکه خیل عظیم فراریان از جهنم اسلامی را پس از بازگشت خطر اعدام و دستگیری و شکنجه و سنگسار تهدید نمیکند، اینکه بهای رنج فرار مردم از این جهنم دو هزار فرانک است. قرار بود که بهای برگرداندن فراریان به ایران برای این حکومت آبرو خریده شود. اما کنفرانس در میان شعارهای پرشور ۲۵۰ نفر از مخالفین و مشتاقان سرنگونی حکومت اسلامی و در حالیکه کنراد و هیئت صلیب سرخی اش بارها و بارها مجبور به عنذخواهی شده بودند به پایان رسید. عمر این تلاشها هم به پایان رسیده است. جوبنی و خفت این تلاشها از سروروی برپادارندگان آن و خود این پروژه میبارد. ■

خبر شکست کنفرانس تبتانی دولت سویس با جمهوری اسلامی و وساطت صلیب سرخ در عین حال که یک پیروزی مهم برای حزب کمونیست کارگری ایران و مردم سرنگونی طلب محسوب میشود، تصویرگر وضعیت اسف بار این حکومت و تقلابهای ورشکسته آن نیز می باشد.

پس از شکست سنگینی که حزب کمونیست کارگری به رژیم اسلامی در کنفرانس برلین تحمیل کرد، هم مقامات حکومت و هم همدستان اروپایی آن مجبور شده اند که برای پروژه خریدن آبرو برای رژیم به شیوه ها و راههای دیگری متوسل شوند. جالب اینجاست که در تلاشهای اخیر این پروژه، شکست خوردن یک فاکتور اساسی و محتمل محسوب میشود. نه مقامات حکومت اسلامی و نه مقامات دولت هایی که میخواهند برای حکومت آبرو بخرند، به خود جرئت ندادند علناً و در مقابل مردم به این تلاشها دست بزنند. کنفرانس برلین پایانی بر تلاش علنی هر دو سوی معامله برای پیشبرد این سیاست بود. شکست خفت بار آنها در کنفرانس سویس تأکید مجددی بر اراده ما در برخورد به این تلاشها بود.

کنفرانس تبتانی دولت سویس و جمهوری اسلامی را با وجودیکه رسماً و طی اطلاعیه ایی از سوی پارلمان پلیس و قضایی و اداره مهاجرت سازمان داده بودند، با وجودیکه قول تأمین زندگی و کار برای برگرداندن فراریان از جمهوری اسلامی را از خود مقامات حکومت گرفته بودند، نه از این سو و نه از طرف مقابل، کسی حاضر به برگزاری کنفرانس با حضور این مقامات نشد. نمایندگان صلیب سرخ را فرستاده بودند تا در صورت رودرویی با مردم خشمگین، با مردمی که به کمتر از سرنگونی این حکومت رضایت

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت
www.wpiran.org
www.wpibriefing.com
www.rowzane.com
www.hambastegi.org
www.childrenfirstinternational.org
www.jawanan.org
www.iwsolidarity.com
www.medusa2000.com
www.marxsociety.com
www.kvwpiran.org

Bank Account:
 Z.I. Konto:
 520 5164 008
 BLZ: 10090000
 Beliner Volksbank
 Germany

Website:
www.haftegi.com
 Email:
haftegi@yahoo.com
 Fax: 0044-8701207768

Address:
 BM Box 8927
 London
 WC1N 3XX
 England